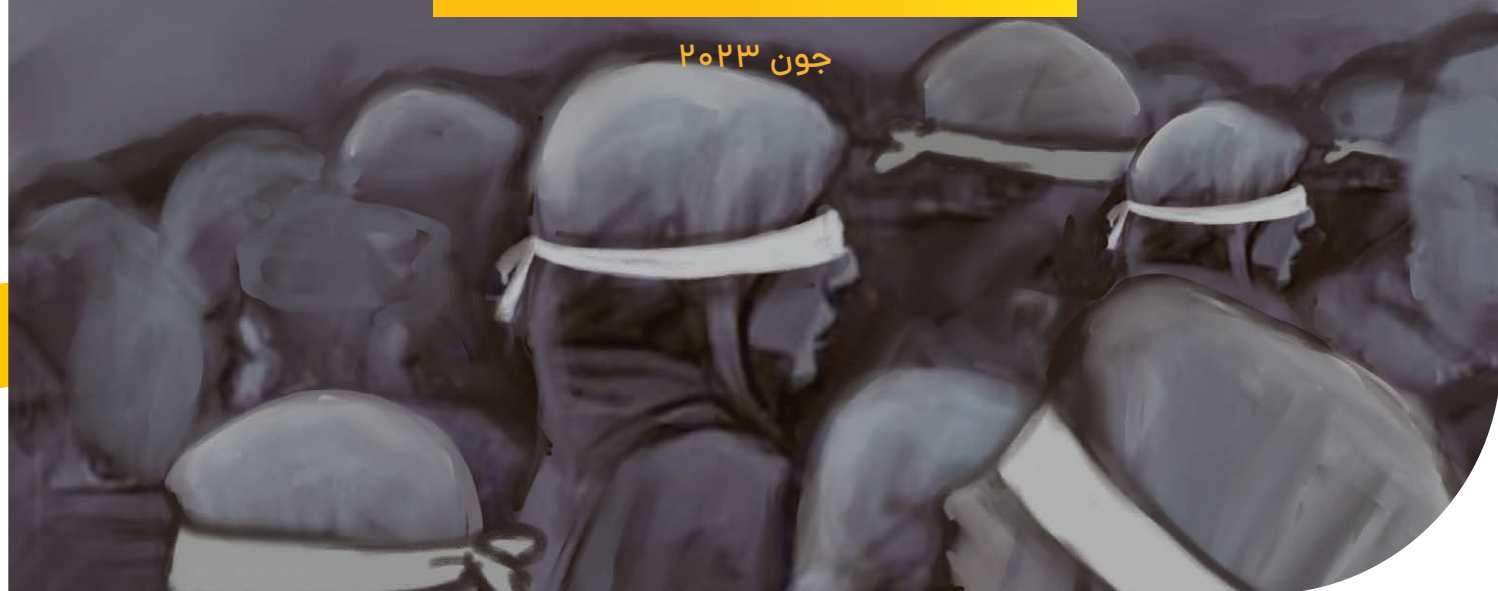




وضعیت دسترسی به عدالت در نظام

عدلی و قضایی طالبان

جون ۲۰۲۳





رواداری یک نهاد مستقل و غیر جانبدار است که با هدف نظارت بر وضعیت حقوق بشر، توسعه فرهنگ حقوق بشری در افغانستان و تلاش برای تأمین فرهنگ حسابدگی و عدالت قربانی محور تأسیس شده است. بنابراین، این نهاد با رعایت کامل اصل بی طرفی و احترام به تمامی اصول و معیارهای پذیرفته شده جهانی حقوق بشر، کار و فعالیت می‌کند که گزارش حاضر نیز در همین راستا و به منظور بازتاب واقع بینانه رویدادهای نقض حقوق بشر آن‌گونه که واقع شده است، منتشر می‌شود.

فهرست مطالب

۴	مقدمه
۵	روش تحقیق و جمع آوری معلومات
۷	بخش اول- ساختار تشکیلاتی و سلسله مراتب محاکم طالبان
۷	الف- محاکم عمومی و عادی
۸	• محاکم تمیز
۸	• محاکم مرافعه
۸	• محاکم ابتدائیه
۸	ب- محاکم اختصاصی
۹	• محاکم اختصاصی نظامی
۹	• محکمه اختصاصی احتساب
۹	تشکیلات متفاوت محاکم در ولایات مختلف
۹	سطح تحصیلات قضات
۱۱	بخش دوم- فروپاشی نظام عدلی و قضایی و حقوقی افغانستان
۱۲	• برکناری کارمندان مسلکی نهادهای عدلی و قضایی حکومت پیشین
۱۲	• انحلال سازنوالی ها و محاکم اختصاصی
۱۳	• لغو قوانین
۱۳	• حذف مرحله‌ی تحقیق از فرایند اجراءات جزایی
۱۴	• نبود رویه یکسان در رسیدگی به قضایای حقوقی
۱۴	• اعمال اختیارات قضایی توسط ارگان‌ها و مراجع غیر مسئول
۱۶	بخش سوم- نقض اصول محاکمه عادلانه و وضعیت دسترسی به عدالت
۱۷	برخورد تبعیض آمیز محاکم و قضات طالبان
۱۷	• برخورد تبعیض آمیز با زنان
۱۹	• برخورد تبعیض آمیز با شیعیان
۲۰	شکنجه و اخذ اعترافات اجباری از متهم
۲۲	توقیف خود سرانه و غیر قانونی
۲۳	زندان‌های شخصی و غیر قانونی
۲۴	نقض اصل برائت ذمه
۲۵	عدم استقلالیت و بی‌طرفی قضات و محاکم
۲۶	تأخیر غیر مؤجه در رسیدگی به قضایای جزایی و حقوقی
۲۶	عدم دسترسی به وکیل مدافع
۲۷	بدرفتاری با وکلای مدافع
۲۷	نقض اصول حاکم بر فیصله و صدور حکم
۲۸	تطبيق مجازات غیر انسانی و ظالمانه
۲۹	بخش چهارم- نتیجه و پیشنهادات
۲۹	نتیجه‌گیری
۳۰	پیشنهادات
۳۱	منابع

مقدمه

با برگشت دوباره طالبان به قدرت در آگست ۲۰۲۱، نظام عدلی و قضایی افغانستان فروپاشید. طالبان به دلیل استقرار آنچه «امارت اسلامی» می‌خوانند، قوانین قبلی را لغو کردند، کارمندان مسلکی محاکم، سارنوالی و وزارت عدلیه را به صورت دسته‌جمعی برکنار نموده، و افراد مورد نظر خود را که عمدتاً فارغ‌التحصیلان مدارس دینی می‌باشند، در این نهادها جابجا کردند. با لغو قوانین قبلی و به خصوص قوانین ناظر بر اجراءات قضایی، اکنون هیچ معیار و مکانیسم حقوقی مؤثر برای تعیین حدود صلاحیت‌ها و اختیارات نهادهای عدلی و قضایی وجود ندارد. مسأله‌ای که موجب بی‌نظمی و هرج و مرج گسترده، نقض اصول محاکمه عادلانه و به تبع آن نقض حقوق بشر شده است. هرچند، طالبان اخیراً «اصول‌نامه اداری محاکم»، «لایحه محاکم» و «قانون طرز تحصیل حقوق»^۱ را در اختیار محاکم قرار داده‌اند؛ اما این اسناد پاسخ‌گوی نیازها و چالش‌های موجود نیستند و نمی‌توانند امور مربوط به نهادهای عدلی و قضایی را تنظیم کنند.

قضات طالبان که همه فارغ‌التحصیلان و یا دانش‌آموزان بحال مدارس دینی بوده‌اند، با دانش قضایی و موازین محاکمه عادلانه بیگانه هستند. به همین دلیل، توسل به شکنجه و اخذ اعترافات اجباری از متهم، به عنوان معمول‌ترین وسیله و ابزار اثبات جرم، در نظام عدلی و قضایی طالبان استفاده می‌شود.

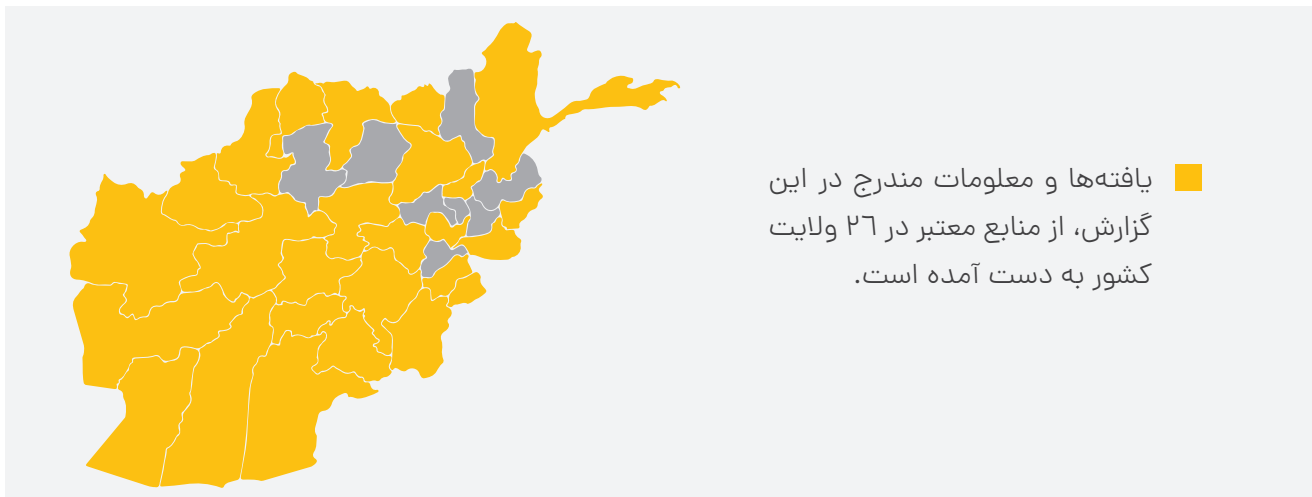
یافته‌های رواداری نشان می‌دهد که موازین محاکمه عادلانه در نهادهای عدلی و قضایی طالبان به صورت گسترده نقض می‌شود و به خصوص زنان و اقلیت‌های مذهبی در دسترسی به عدالت، با چالش‌ها و مشکلات جدی روبه‌رو هستند. قضات و محاکم طالبان در رسیدگی به دوسیه‌های جزایی و حقوقی، از روش‌های سنتی و رویه‌های سلیقوی مختلف و متفاوتی استفاده می‌کنند. چنان‌که رویه‌ی رسیدگی به یک قضیه مشخص جزایی یا حقوقی از یک محکمه تا محکمه‌ی دیگر و از یک ولایت تا ولایت دیگر کاملاً متفاوت است. از سوی دیگر، بر بنیاد معلومات بدست‌آمده، به دلیل رفتار تبعیض‌آمیز محاکم و قضات طالبان، زنان قربانی خشونت در دسترسی به عدالت با چالش‌های مضاعف و محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌تری مواجه هستند.

بدرفتاری و اشکال مختلف شکنجه، بازداشت خودسرانه و غیر قانونی افراد، وجود زندان‌های شخصی در سراسر کشور، فساد اداری، حل و فصل قضایی جزایی توسط نهادها و مراجع غیر مسئول و عدم استقلالی و بی‌طرفی محاکم از مهم‌ترین چالش‌ها و مشکلاتی اند که در حال حاضر در نهادهای عدلی و قضایی تحت کنترل طالبان وجود دارد.

۱ اصول‌نامه اداری محاکم در سال ۲۰۱۴، لایحه محاکم در سال ۲۰۱۸ و قانون طرز تحصیل حقوق در سال ۲۰۲۳ توسط طالبان نشر شده است.

روش تحقیق و جمع‌آوری معلومات

رواداری، برای ارایه یک تصویر دقیق و روشن از عملکرد نظام عدلی و قضایی طالبان و نیز وضعیت دسترسی شهروندان افغانستان به عدالت، گزارش حاضر را منتشر می‌کند. یافته‌ها و معلومات مندرج در این گزارش ناظر به عملکرد نهادهای عدلی و قضایی طالبان از ۱۵ آگست ۲۰۲۱ تا جون ۲۰۲۳ می‌باشد و رواداری در پنج ماه نخست سال ۲۰۲۳ در ۲۶ ولایت کشور،^۲ به تعداد ۱۴۱ مصاحبه با وکلای مدافع، کارکنان قبلی و فعلی نهادهای عدلی و قضایی، مدافعان حقوق بشر، قربانیان و شماری از خبرنگاران محلی انجام داده است که اطلاعات بدست‌آمده پس از مقایسه، تحلیل و ارزیابی، مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین، منبع دیگر معلومات مندرج در این گزارش، اصول‌نامه‌ها، لوایح و دیگر اسناد مرتبط با عملکرد نهادهای عدلی و قضایی طالبان می‌باشد که توسط «اداره عالی محاکم»^۳ تهیه و به نشر رسیده است.



همچنین در این گزارش از اسناد بین‌المللی حقوق بشر و گزارش‌های قبلی رواداری که در موضوعات مختلف حقوق بشر در افغانستان منتشر شده نیز استفاده شده است.

رواداری تأکید می‌کند که به دلیل تهدیدات امنیتی، وضع محدودیت‌های به شدت سخت‌گیرانه به منظور کنترل اطلاعات مرتبط با عملکرد نهادهای عدلی و قضایی و به خصوص عدم دسترسی به محلات سلب آزادی، جمع‌آوری معلومات در این زمینه، کار دشوار و پرچالشی بوده است. اما رواداری با نظارت مستمر و مداوم بر وضعیت دسترسی شهروندان به عدالت در مدت نزدیک به دو سال گذشته و نیز با توجه به منابع و امکاناتی که در داخل کشور دارد، توانسته است که اطلاعات مورد نیاز برای تهیه این گزارش را بدست بیاورد. قابل یادآوری است که به خاطر نگرانی‌های امنیتی، از ارائه جزئیات و معلومات درباره مصاحبه شونده‌گان و منابع، و در مواردی برای حفظ مسئولیت قربانیان، از ذکر تاریخ و محل دقیق تعدادی از رویدادهای نقض حقوق بشر خود داری شده است.

۲ کابل، میدان وردک، غزنی، هرات، فراه، بادغیس، نیمروز، غور، قندهار، هلمند، زابل، ارزگان، دایکندی، بامیان، پنجشیر، پکتیا، پکتیکا، خوست، کنر، ننگرهار، بلخ، بغلان، فاریاب، جوزجان، بدخشان و قندوز.

۳ طالبان نام قوه قضاییه را از «ستره محکمه» به «اداره عالی محاکم» تغییر داده اند.



نقاشی: فاطمہ وجوہات

Fatima
Wajohat



ساختار تشکیلاتی و سلسله مراتب محاکم طالبان

طالبان ساختار تشکیلاتی قوه قضاییه را بر اساس «لایحه محاکم» با تغییر نام از «ستره محکمه» به «اداره عالی محاکم» مشخص کرده‌اند. این ساختار تشکیلاتی در زمان حکومت جمهوری اسلامی افغانستان و در ساحات تحت کنترل طالبان نیز فعال بوده که اکنون در تشکیل قوه قضاییه پیاده شده است. البته در عمل، تشکیل یک‌سان و مشخصی وجود ندارد و محاکم به لحاظ تشکیلات، وظایف و صلاحیت‌ها از یک ولایت تا ولایت دیگر متفاوت است. بنابراین، معلوماتی که در ادامه می‌آید، از لایحه محاکم و منابع معتبر محلی بدست آمده است.

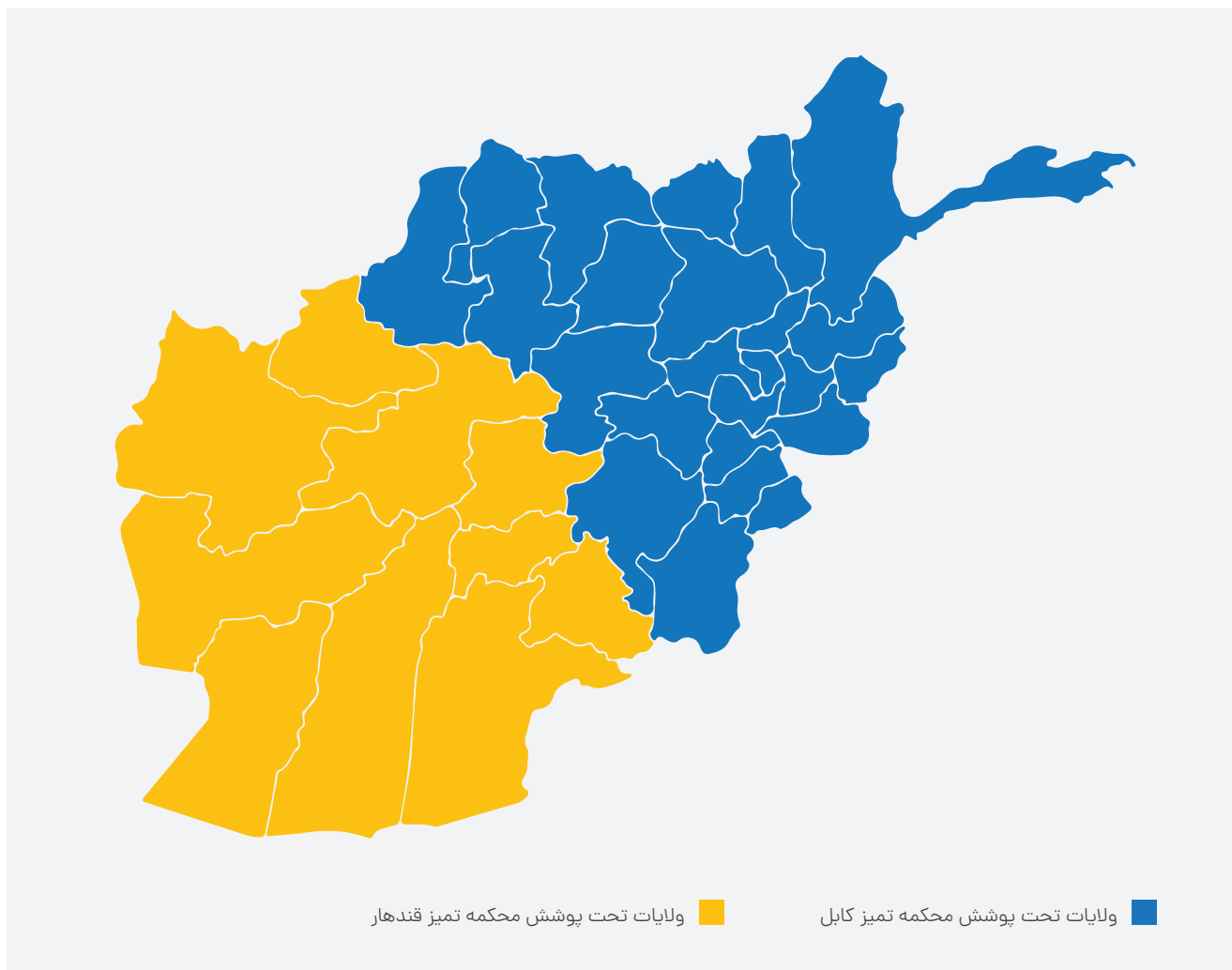


الف- محاکم عمومی و عادی

محاکم عمومی و عادی در سه دسته تمیز، مرافعه و ابتدائیه فعال شده‌اند که مسئولیت رسیدگی به جرایم عمومی و دعاوی مدنی و حقوقی را بر عهده دارند.

۱. محاکم تمیز

محاکم تمیز که در دو ولایت قندهار و کابل ایجاد شده اند، به عنوان عالی ترین مراجع قضایی طالبان شناخته می‌شوند. محکمه تمیز ولایت قندهار ۱۰ ولایت را تحت پوشش قرار می‌دهد و ۲۴ ولایت دیگر مربوط به محکمه تمیز کابل می‌باشند. این محکمه فیصله‌های محاکم تحتانی را تصحیح، نقض، تعدیل و یا لغو می‌کند. محاکم تمیز متشکل از رئیس، اعضا و دو بخش تحقیق و اداری می‌باشند.



۲. محاکم مرافعه

دومین مرجع قضایی به لحاظ سلسله مراتب، محاکم مرافعه می‌باشند که در مراکز ولایات ایجاد شده و دارای چهار دیوان جزا، امنیت عامه، مدنی و تجارت می‌باشند.

۳. محاکم ابتدائیه

محاکم ابتدائیه دارای سه عضو (یک قاضی، یک مفتی و یک محرر [قاضی]) می‌باشند، به استثنای محاکم شهری که تعداد اعضای آن از یک ولایت تا ولایت دیگر متفاوت است.

ب- محاکم اختصاصی

طالبان با لغو محاکم اختصاصی قبلی، محاکم اختصاصی جدید ایجاد کرده‌اند که در کابل و تعدادی از ولایات فعالیت می‌کنند.

۱. محاکم اختصاصی نظامی

طالبان در تعدادی از ولایت‌ها محاکم اختصاصی نظامی را در دو بخش مرافعه و ابتدائیه ایجاد کرده‌اند که قضایای مربوط به تمامی منسوبین نظامی امارت اسلامی را رسیدگی می‌کنند.

۲. محکمه اختصاصی احتساب

طالبان با لغو دیوان‌های مبارزه با جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، محکمه اختصاصی «احتساب» را در تعدادی از ولایت‌ها ایجاد کرده‌اند که مسئولیت آن رسیدگی به اتهامات مربوط به «نظامیان پیشین، جاسوس و طرفداران حکومت پیشین» می‌باشد.^۴

تشکیلات متفاوت محاکم در ولایات مختلف

طالبان برای محاکم خود تشکیل یک‌سانی ندارند. به طور مثال در تعدادی از بخش‌های کشور از جمله در ولایت هلمند، دو نوع کمیسیون اختصاصی ایجاد کرده‌اند. کمیسیون نخست، توسط والی ولایت ایجاد شده و به مسایل غیر قضایی رسیدگی می‌کند و کمیسیون دوم، توسط محکمه مرافعه در مرکز ولایت هلمند ایجاد شده که معمولاً به دوسیه‌های بی سرنوشت در حکومت پیشین رسیدگی می‌کند. صلاحیت دیگر این کمیسیون، رسیدگی به اختلافات محاکم مرافعه و ابتدائیه و رفع تداخل وظیفوی می‌باشد. در ولایت میدان وردک، یک کمیسیون شکایات وجود دارد که به دوسیه‌های نهایی نشده در حکومت پیشین رسیدگی می‌کند؛ اما در ولایت دایکندی، یک محکمه تحت نام معاونیت قضایی به این دوسیه‌ها رسیدگی می‌کند. همین‌طور، در ولایت‌های پکتیکا، پکتیا و خوست محاکم اختصاصی برای نهایی‌سازی دوسیه‌های باقی‌مانده از حکومت پیشین، ایجاد شده است.

از سوی دیگر، در شماری از ولایت‌ها طالبان نهادی را تحت نام شورای فقهی^۵ ایجاد کرده‌اند که تحت امر محاکم مرافعه فعالیت می‌کند و وظیفه‌ی آن‌ها رسیدگی و حل و فصل قضایای مربوط به ادارات ملکی و نظامی می‌باشد.

سطح تحصیلات قضات طالبان

اکثریت مطلق قضات و «مفتی»های^۶ محاکم طالبان، دانش‌آموختگان و فارغ‌التحصیلان مدرسه‌های دینی می‌باشند که عمدتاً از مدرسه‌های دینی پاکستان فارغ‌التحصیل شده، و یا از دانش‌آموزان برحال این مدرسه‌ها بوده‌اند. تعدادی از افرادی که اکنون در منصب قضا ایفای وظیفه می‌کنند، قبلاً نیز در زمان جنگ و در ساحات تحت کنترل طالبان به عنوان قاضی کار کرده‌اند. به طور مثال رئیس محکمه مرافعه ولایت غزنی در زمان جمهوریت در یک قریه تحت کنترل طالبان قاضی بوده است. در این میان، شمار محدودی از آن‌ها از جمله یک قاضی در ولایت هرات و چند قاضی دیگر در ولایت پنجشیر، تحصیلات عالی رسمی نیز دارند که در دانشکده‌های حقوق و شرعیات دانشگاه‌های کشور درس خوانده‌اند.

معلومات بدست‌آمده نشان می‌دهد که قضات طالبان با دانش حقوق مدرن، به خصوص اصول ناظر بر محاکمه عادلانه بیگانه هستند و نیز، هیچ مکانیسم و طرز‌العمل مشخصی برای جذب و انتصاب افراد در منصب قضا وجود ندارد. منابع محلی از ولایت‌های تخار و بغلان به رواداری گفته‌اند که مهم‌ترین شرط استخدام قضات در این ولایات، ارائه سند تحصیلی از مدرسه‌های دینی پاکستان و داشتن سابقه عضویت در گروه طالبان می‌باشد.

۴ امارت اسلامی طالبان، لایحه محاکم، سال ۲۰۱۸، مواد ۱ و ۷۵.

۵ این شورا متشکل از علمای دینی می‌باشد که اعضای آن‌را محکمه مرافعه تعیین کرده است.

۶ در هر محکمه ابتدائیه و دیوان‌های محاکم مرافعه یک عالم دینی به عنوان مفتی استخدام شده و در مورد قضایای که حکم روشن در منابع فقهی موجود نباشد با دادن فتوا قضیه را حل و فصل می‌کند.



Fatima
Wajehat

نقاشی: فاطمه وجوهات

۲

فروپاشی نظام عدلی و قضایی و حقوقی افغانستان

هرچند که در حکومت جمهوری اسلامی افغانستان نیز چالش‌هایی در تطبیق و اجرای عدالت و تأمین حاکمیت قانون وجود داشت و شهروندان از عملکرد نهادهای عدلی و قضایی رضایت چندانی نداشتند؛ اما دست‌آوردها و پیشرفت‌های ارزشمندی در عرصه‌ی قانونگذاری، اصلاح و کارآمدتر شدن دستگاه عدلی و قضایی بدست آمده بود که متأسفانه همه‌ی آن دست آوردها از بین رفته است. اکنون برداشتهای سخت‌گیرانه و سلیقه‌ای از اسلام، جای قوانین را گرفته و محاکم بر اساس فتوا به حل و فصل قضایای حقوقی و جزایی می‌پردازند. در این بخش گزارش، به موارد مهمی دال بر فروپاشی نظام عدلی و قضایی و حقوقی افغانستان پرداخته می‌شود.



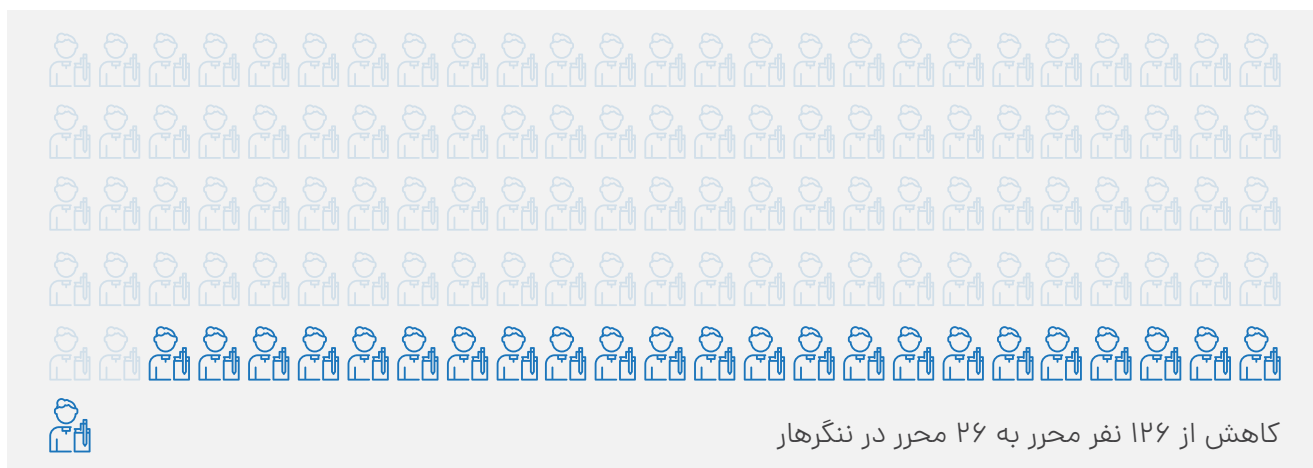
عکس: شبکه‌ی تحلیلگران افغانستان

۱. برکناری کارمندان مسلکی نهادهای عدلی و قضایی حکومت پیشین

پس از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، نهادهای عدلی و قضایی از وجود نیروهای مسلکی و آموزش‌دیده تصفیه شدند. معلومات بدست‌آمده می‌رساند که به تعداد ۱۰۱۶ تن از کارکنان مسلکی و اداری بخش‌های مختلف اداره «لوی سارنوالی» اعم از زنان و مردان و به تعداد ۲۰۰۰ قاضی در سراسر کشور اعم از زنان و مردان، از وظایف‌شان برکنار شده‌اند.^۷



هم‌زمان، صدها تن از «محرران» و کارکنان اداری محاکم و کارکنان مسلکی و مساعدین حقوقی وزارت عدلیه نیز عزل شده‌اند. مثلاً در محاکم ابتدائیه و استنیاف ولایت ننگرهار ۱۲۶ «محرر» کار می‌کردند که اکنون از آن جمع تنها ۲۴ نفر باقی مانده است. کارمندان بست‌های سه و چهار آمریت‌های حقوق وزارت عدلیه، به‌شمول مساعدین حقوقی نیز طی یک فرمان برکنار شدند و تنها کارمندان بست‌های پنج و شش باقی‌مانده‌اند.



۲. انحلال سارنوالی‌ها و محاکم اختصاصی

یکی دیگر از اقداماتی که در نهادهای عدلی و قضایی انجام شد، لغو ساختارهای حمایتی و ویژه مانند سارنوالی‌ها و محاکم اختصاصی بود. طالبان تمامی محاکم اختصاصی به‌شمول محکمه اختصاصی مبارزه با جرایم خشونت علیه زنان، محکمه اختصاصی رسیدگی به تخلفات اطفال، محاکم مبارزه با فساد اداری و دیوان‌های مبارزه با جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی را لغو کردند.

همین‌طور، طالبان سارنوالی‌های اختصاصی مبارزه با جرایم خشونت علیه زنان و اطفال، سارنوالی‌های ابتدائیه مبارزه با فساد اداری و ریاست مبارزه با آزار و اذیت زنان در ادارات دولتی را از تشکیل لوی سارنوالی در مرکز و ولایت‌ها حذف کرده‌اند. سارنوالی‌ها و محاکم اختصاصی که در تشکیل نهادهای عدلی و قضایی دولت جمهوری اسلامی افغانستان

^۷ رواداری، گزارش وضعیت حقوق بشر در نخستین سال حاکمیت طالبان بر افغانستان تحت عنوان «عقب‌گرد و سرکوب»، ۲۰۲۲، آدرس:

<https://rawadari.org/10122022251.htm/>

تأسیس شده بودند، نقش مهمی در تأمین عدالت و حاکمیت قانون، مبارزه با فساد اداری و مبارزه با جرایم خشونت علیه زنان داشتند.

۳. لغو قوانین

طالبان تمامی مقررات و قوانین قبلی به شمول قانون اساسی و قوانین جزایی را که با تبعیت از اسناد بین‌المللی حقوق بشر وضع شده بود، لغو کردند. قوانینی که به لحاظ تضمین ارزش‌های حقوق بشر و حقوق شهروندی، در شمار بهترین قوانین کشورهای منطقه محسوب می‌شدند. اکنون، فتوا و برداشتهای سخت‌گیرانه‌ی فقهی و سلیقه‌ای از اسلام جای قوانین قبلی را گرفته و محاکم طالبان با استفاده از منابع متعدد فقهی به قضایای جزایی و حقوقی رسیدگی می‌کنند. به طور مثال تعدادی از قضات به مجله الحکام^۸ استناد می‌کنند و تعدادی دیگر بر اساس فهم و برداشت شخصی خود، حکم صادر می‌کنند. روش فیصله و صدور حکم در مورد قضایای جزایی به این صورت است که ابتدا قضات احکام را از منابع فقه حنفی استنباط و دوسیه را غرض فیصله نهایی به مفتی محول می‌کنند. مفتی حکم را با موازین شرعی مطابقت می‌دهد و سپس آنرا رد یا تأیید می‌کند. در مواردی که حکم مشخص در منابع فقهی وجود نداشته باشد مفتی بر اساس برداشتهای و فهم شخصی خود از دین، فتوا می‌دهد و این‌گونه حکم جاری می‌شود.

علاوه بر این، فرامین رهبر طالبان مبنای مهم قرارها و فیصله‌های قضایی به شمار می‌رود. رهبر طالبان درباره تعدادی از قضایا و موارد جزایی و حقوقی، فتوا می‌دهد و آن مبنای فیصله و حکم محاکم قرار می‌گیرد.

حق اعتراض و تجدید نظرخواهی نسبت به حکم محاکم، به خصوص در قضایای جزایی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. اما طرفین دعوا می‌توانند در قضایای حقوقی بر حکم محاکم اعتراض نموده و خواهان تجدید نظر شوند. یک منبع به رواداری گفته است که در قضایای جزایی اگر نسبت به حکم محاکم اعتراض شود قضات آنرا به مثابه مخالفت با شریعت اسلامی تعبیر می‌کنند.

۴. حذف مرحله‌ی تحقیق از فرایند اجراءات جزایی

تحقیق، بخش مهمی از فرایند رسیدگی قضایی می‌باشد که در این مرحله به جمع‌آوری شواهد، مدارک و دلایل اثبات اتهام اقدام می‌شود و تأثیر مهمی در روند تصمیم‌گیری محاکم دارد. برای این کار، باید نهادهای مشخصی با صلاحیت‌های تعریف شده در قانون، وجود داشته باشد. قبلاً مسئولیت تحقیق و نظارت از جریان تحقیق بر عهده اداره لوی سارنوالی بود. اما طالبان این اداره را به «نهاد نظارت و تعقیب فرامین و احکام»^۹ تغییر دادند و عملاً مرحله‌ی تحقیق را از فرایند اجراءات جزایی حذف کردند. هرچند صلاحیت تحقیق به پولیس، اداره استخبارات و محاکم تفویض شده است؛ اما در این مورد رویه یکسان وجود ندارد و نیز بخش خاصی برای این کار در محاکم و پولیس ایجاد نشده است.

چنان‌که در مورد برخی دوسیه‌ها هم‌زمان پولیس و محاکم و در برخی قضایا با پولیس یا محاکم تحقیق می‌کند و در تعدادی از قضایا هیچ تحقیقی صورت نمی‌گیرد.

به طور مثال در ولایت پنجشیر تنها محاکم اند که صلاحیت تحقیق را دارند در حالی که در تعداد دیگری از ولایت‌ها، هم پولیس تحقیق می‌کند و هم محاکم.

۸ مجله الحکام از منابع معتبر فقه حنفی می‌باشد که عمدتاً درباره معاملات و عقود احکام مشخصی را بیان کرده است.

۹ ریاست دارالانشا لوی سارنوالی، هدایت ملا هبت الله، رهبر طالبان در مورد تغییر لوی سارنوالی به «لوی ریاست نظارت و تعقیب فرامین و احکام»، متحد المال شماره چهاردهم، تاریخ: ۲۲ مارچ ۲۰۲۳.

همین‌طور، یافته‌های رواداری نشان می‌دهد که تعداد زیادی از قضایای جزایی بدون هیچ‌گونه تحقیق و اقدام به جمع‌آوری اسناد و دلایل اثبات جرم، در یک جلسه فیصله و حکم درباره آن صادر می‌شود. از سوی دیگر، افرادی را که اداره استخبارات و یا اداره امر به معروف دستگیر می‌کنند، در همان روز بدون هیچ نوع تحقیق و ارجاع دوسیه به محاکم، مجازات می‌کنند. همچنین، بخشی از قضایا در مدیریت‌های جنایی قوماندانی امنیه حل و فصل می‌شوند و افراد بازداشت‌شده یا مستقیم برای سپری کردن مدت حبس خود به زندان می‌روند و یا آزاد می‌شوند.

در قضایای حقوقی نیز خود محاکم به جمع‌آوری و مطالبه اسناد و مدارک اقدام می‌کنند و ریاست‌های عدلیه عملاً صلاحیتی در این زمینه ندارند. بنابراین، تحقیق به عنوان یکی از مراحل فرایند اجراءات جزایی عملاً از بین رفته است؛ زیرا بخش تحقیق در محاکم وجود ندارد و برای این کار افراد مشخصی تعیین نشده‌اند. ظاهراً قضاتی که تحقیق می‌کنند فیصله نیز می‌کنند و در عمل نه تنها قضات که هر یک از نیروهای امنیتی و مسئولان محلی در هر مرحله‌ای از اجراءات جزایی که بخواهند می‌توانند به این کار اقدام کنند. مثلاً در ولسوالی کهمرد ولایت بامیان، ولسوال به جای قاضی از متهم تحقیق می‌کند.

۵. نبود رویه یکسان در رسیدگی به قضایای حقوقی

در مورد نحوه‌ی رسیدگی به دعاوی مدنی و حقوقی نیز مکانیسم مشخص و یکسانی وجود ندارد و روش محاکم طالبان در رسیدگی به این نوع قضایا، از یک ولایت تا ولایت دیگر و از یک محکمه تا محکمه‌ی دیگر متفاوت است. مثلاً در ولایت قندهار، ابتدا حوزه‌های پولیس اقدام به حل و فصل قضایای حقوقی می‌نمایند و اگر به نتیجه نرسیدند دوسیه را برای رسیدگی به قوماندانی امنیه محول می‌کنند. برای این کار در هر حوزه پولیس این ولایت یک مفتی رضاکار حضور دارد. اگر قوماندانی امنیه قناعت طرفین دعوا را بدست آورده نتوانست دوسیه را به آمریت حقوق که فعلاً بخشی از محاکم شهری می‌باشد، محول می‌کند. در ولایت هلمند روش دیگری وجود دارد، قضیه نخست در آمریت حقوق ارجاع می‌شود، و اگر در آنجا حل و فصل نشد به محاکم محول می‌شود. در اکثر موارد، بین اعضای یک محکمه و هیأت قضایی نیز توافق نظر وجود ندارد و دلیل آن تعدد و پراکندگی منابع فقهی می‌باشد. مسأله‌ای که موجب تأخیر در روند رسیدگی به دوسیه‌ها و سرگردانی اصحاب دعوا شده است.

۶. اعمال اختیارات قضایی توسط ارگان‌ها و مراجع غیر مسئول

نتایج بررسی‌های رواداری نشان می‌دهد که بخش مهمی از قضایای حقوقی و جزایی توسط نهادها و مراجع غیر مسئول حل و فصل می‌شوند. پولیس، اداره امر به معروف، اداره استخبارات، شورای فقهی، کمیسیون فقهی، دارالافتاء مدارس دینی،^{۱۰} بزرگان قومی و جرگه‌های محلی از مراجعی‌اند که نقش مهمی در رسیدگی و حل و فصل قضایای حقوقی و جزایی دارند. مثلاً در ولایت بدخشان تمامی قضایای مربوط به خشونت‌های خانوادگی و احوال شخصیه زنان، توسط اداره امر به معروف رسیدگی می‌شود و فیصله‌ها معمولاً به ضرر زنان است. در بخش‌های مشرقی از جمله پکتیا، پکتیکا و خوست اکثریت قضایای حقوقی و جزایی توسط ولسوال، ملا امامان، بزرگان قومی و جرگه‌های محلی حل و فصل می‌شوند. در تعدادی از ولایت‌ها کمیسیون حل منازعات اجتماعی ایجاد شده است که صلاحیت رسیدگی به قضایای جزایی را نیز دارند. در ولایت دایکندی معمولاً معاون والی و اداره استخبارات قضایای حقوقی را حل و فصل می‌کنند. همین‌طور، در ولایت بغلان نیز اکثریت قضایای حقوقی و جزایی، در اداره امر به معروف حل و فصل و دوسیه‌ها به محاکم ارجاع نمی‌شوند.

۱۰ دارالافتاء نهادی است که در اکثریت مدارس اهل سنت وجود دارد و برای پاسخ به مسایل شرعی ایجاد شده است.



۳

نقض اصول محاکمه عادلانه و وضعیت دسترسی به عدالت

اسناد بین‌المللی حقوق بشر، برای افرادی که مورد تعدی واقع شده و در نتیجه‌ی ارتکاب یک عمل جرمی زیان دیده‌اند، این حق را تضمین کرده است که در حضور محکمه صالح احقاق حق کنند، و همین‌طور افرادی که در معرض اتهام قرار دارند، باید بتوانند در یک محکمه بی‌طرف و مستقل از خود دفاع نمایند. به همین منظور، اسناد بین‌المللی حقوق بشر اصول و معیارهای مشخصی را برای حصول اطمینان از اجرای عدالت و تضمین حقوق بشری مظنون و متهم، تعیین کرده که در تمامی مراحل فرایند اجراءات جزایی، از مرحله‌ی کشف تا صدور حکم و اجرای مجازات و پس از آن باید رعایت شوند. یافته‌های رواداری نشان می‌دهد که قضات و محاکم طالبان با اصول یادشده آشنایی نداشته و در اجراءات خود به موازین حقوق بشر اعتنایی نمی‌کنند. به خصوص در جرایم تعزیری و جرایم حدود و قصاص به اصول و موازین محاکمه عادلانه اهمیت نمی‌دهند.

در این بخش گزارش به تفصیل و به‌صورت مشخص به نقض موازین محاکمه عادلانه و چالش‌های موجود در برابر دسترسی شهروندان افغانستان به عدالت پرداخته می‌شود. قابل یادآوری است که قوانین قبلی مانند قانون اساسی، قانون اجراءات جزایی، کد جزا، قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های محاکم و سارنوالی، با تبعیت از اسناد بین‌المللی حقوق بشر اصول محاکمه عادلانه را تضمین کرده بودند؛ اما از آن‌جا که هیچ‌یک از قوانین یادشده اکنون نافذ نیست و در حکومت طالبان اعتبار ندارند، لذا در این مبحث تنها به اسناد بین‌المللی حقوق بشر استناد شده است که طالبان به لحاظ حقوقی متعهد به رعایت آن‌ها هستند.



عکس: ایندپیندنت فارسی

برخورد تبعیض‌آمیز محاکم و قضات طالبان

تساوی افراد در برابر قانون، یکی از مهم‌ترین اصول محاکمه عادلانه می‌باشد که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر تسجیل شده است.^{۱۱} بر بنیاد این اصل، محاکم و قضات مکلف هستند که با طرفین دعوا به صورت برابر و یک‌سان رفتار کنند. اما یافته‌های رواداری نشان می‌دهد که محاکم طالبان مخصوصاً نسبت به زنان، کارکنان حکومت پیشین و پیروان مذهب جعفری رفتار تبعیض‌آمیز دارند.

۱. برخورد تبعیض‌آمیز با زنان

در نظام عدلی و قضایی حکومت پیشین، ساختارهای حمایتی و ویژه برای زنان از جمله سارنوالی‌ها و محاکم اختصاصی ایجاد شده بودند که به جرایم خشونت علیه زنان رسیدگی می‌کردند. طالبان این سارنوالی‌ها و محاکم اختصاصی را از تشکیل نهادهای عدلی و قضایی حذف و نیز وزارت امور زنان و به تعداد ۲۷ مرکز حمایتی زنان^{۱۲} در سراسر افغانستان را منحل کردند که اکنون تنها یک مرکز حمایتی در شهر کابل فعال است. هم‌زمان با لغو قوانین قبلی، قانون منع خشونت علیه زن که به جرم‌انگاری اشکال مختلف خشونت علیه زنان پرداخته بود نیز لغو شد و به این ترتیب، مکانیسم‌های قانونی حمایت از قربانیان خشونت علیه زن از بین رفتند.

نهادهای عدلی و قضایی از جمله محکمه، سارنوالی، وزارت عدلیه و بخش‌های مهم وزارت امور داخله از وجود کارکنان زن تصفیه شدند تا جایی که اکنون هیچ زنی در نهادهای عدلی و قضایی تحت کنترل طالبان حضور ندارند و نیز زنانی که قبلاً به عنوان وکیل مدافع فعالیت می‌کردند، فعلاً به صورت رسمی اجازه‌ی کار ندارند.

البته تعداد محدودی از زنان به عنوان نگهبان و یا برای تلاش بدنی مراجعین و تلاشی خانه‌ها، در بخش‌هایی از وزارت امور داخله و اداره استخبارات کار می‌کنند. علاوه بر این، طالبان در مدت نزدیک به دو سال گذشته مقررات سخت‌گیرانه‌ای بر آزادی‌های اساسی زنان وضع کرده‌اند، از جمله ممنوعیت بیرون شدن زن از خانه بدون «محرم شرعی» حتی برای دریافت خدمات صحتی یا مراجعه به نهادهای عدلی و قضایی. با این حال، زنانی که توسط بستگان نزدیک و محارم شرعی خود مورد خشونت قرار می‌گیرند نمی‌توانند برای دادخواهی به محاکم و دیگر مراجع مسئول مراجعه نمایند. مجموع موارد یادشده، تأثیرات منفی و زیان‌باری بر وضعیت دسترسی زنان به عدالت داشته است.

یافته‌های رواداری نشان می‌دهد که در مدت نزدیک به دو سال گذشته، زنان قربانی خشونت با چالش‌ها و موانع زیادی در دسترسی به عدالت روبه‌رو هستند. چنان‌که در سراسر کشور به خصوص در ولایت‌های پکتیکا، پکتیا، کنر، ننگرهار، زابل و هلمند زنان جرأت مراجعه به محاکم طالبان را ندارند. شواهد و مدارک بدست‌آمده، نشان می‌دهد که طالبان در مورد دعاوی جزایی و حقوقی زنان، رفتار سخت‌گیرانه‌ی دارند و معمولاً، فیصله‌های قضایی را به ضرر زنان صادر می‌کنند. مخصوصاً در قضایای مربوط به احوال‌شخصیه زنان مانند درخواست تفریق، ازدواج‌های اجباری، میراث و نفقه ترتیب اثر قانونی نمی‌دهند و به شکایات زنان قربانی در این نوع موارد وقع چندانی نمی‌گذارند. حتی دوسیه‌های زنانی را که در حکومت قبلی تحت دوران بودند، از روند اجراءات قضایی خارج کرده‌اند.

۱۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب سال ۱۹۶۶، ماده ۱۴.

۱۲ مراکز حمایتی به خاطر تأمین مسئولیت زنان قربانی خشونت در سراسر کشور ایجاد شده بودند. زنان قربانی در این مراکز به صورت مؤقت نگهداری می‌شدند و طی این مدت از خدمات رایگان صحتی، روانی و حقوقی و آموزش‌های فنی و حرفوی استفاده می‌کردند.

بر بنیاد یافته‌های رواداری، هیچ دوسیه‌ی رسمی بر اساس شکایت زنان ترتیب داده نمی‌شود نمی‌شود و اکثریت قضایای مربوط به آن‌ها اعم از جزایی و حقوقی در اداره «امر به معروف» حل و فصل می‌شوند. مثلاً در ولایت‌های بلخ، تخار و بغلان تنها نهادی که عملاً صلاحیت رسیدگی به قضایای مدنی و جزایی زنان را دارد، اداره امر به معروف است. در شماری از ولایت‌ها قضایای زنان در دیوان مدنی محاکم و در تعدادی دیگر در حوزه‌های پولیس و قوماندانی‌های امنیه رسیدگی و حل و فصل می‌شوند.

از سوی دیگر، معلومات بدست‌آمده می‌رساند که در اکثر بخش‌های کشور، قضایای حاد جزایی و حقوقی زنان از طریق مکانیسم‌های غیر قضایی مانند جرگه‌های محلی حل و فصل می‌شوند. مثلاً در تاریخ ۱۹ فبروری ۲۰۲۳، یک زن در ولایت بادغیس توسط شوهرش لت و کوب و سپس به آتش کشیده شد. زمانی که همسایه‌ها و مردم محل از این رویداد مطلع شدند، زن مذکور را به شفاخانه انتقال دادند که البته یک ماه بعد در نتیجه‌ی آسیب‌های وارده، جان داد. اقارب و بستگان این زن به طالبان شکایت بردند و طالبان این قضیه را به جرگه بزرگان محلی ارجاع کردند. در جرگه فیصله شد که شوهر این زن یک قطعه زمین به پدر و خانواده او بدهد، و این‌گونه به قضیه قتل یک زن توسط شوهرش رسیدگی صورت گرفت.

در یک مورد دیگر در ولایت بامیان، حکم تفریق یک زن و شوهر در محاکم قبلی نهایی و اجرا شده بود و زن پس از سپری کردن دوره عدت، دوباره ازدواج کرده بود. اما اخیراً شوهر قبلی‌اش شکایت کرده و محکمه طالبان حکم محاکم پیشین را لغو نوشته شود و به زن گفته است که باید دوباره با شوهر اولی‌اش ازدواج کند.



نقاشی: فاطمه وجوهات

۲. برخورد تبعیض آمیز با شیعیان

همزمان با مسلط شدن طالبان بر افغانستان، تمامی قضات اهل تشیع از وظایف شان برکنار شدند و اکنون در محاکم طالبان هیچ فردی از شیعیان در منصب قضا حضور ندارد. همچنین، طالبان «قانون احوال شخصیه اهل تشیع» را ملغاً کردند و در مورد قضایای اهل تشیع به شمول دعاوی مدنی و احوال شخصیه، بر اساس فقه حنفی فیصله می‌کنند. در ماده ۸ «لایحه محاکم» طالبان آمده است: «قضات و اعضای مربوطه محاکم مکلف هستند که تمام فیصله‌ها را در پرتو فقه حنفی صادر نمایند، که مشتمل بر حواله کتاب‌های معتبر و جزئیات فقهی باشد.»^{۱۳} یافته‌های رواداری نشان می‌دهد که محاکم طالبان در قضایای که یک طرف دعوا شیعه مذهب باشد تبعیض آمیز عمل می‌کنند. مثلاً در منطقه «دولت‌خانه» شهر هرات، محکمه در دعاوی مالکیت بر سر یک باب مسجد که پیروان مذهب شیعه سالیان متمادی از آن استفاده می‌کردند، قضیه را به نفع نیروهای خود و پیروان مذهب حنفی که طرف دیگر دعوا بودند فیصله نموده و شیعیان را از مسجد بیرون کردند.



همین‌طور، یک منبع به رواداری از قضات طالبان در هرات نقل قول کرده است که «پیروان مذهب تشیع اهل ذمه»^{۱۴} هستند و باید مطابق فقه حنفی در مورد قضایای آن‌ها حکم صادر شود. به همین دلیل، شیعیان کمتر به محاکم طالبان اعتماد می‌کنند و به‌خصوص در قضایای حقوقی و احوال شخصیه به مکانیسم‌های غیر قضایی از جمله جرگه‌های قومی و ملا امامان مساجد مراجعه می‌کنند تا بر اساس فقه مذهب خودشان در مورد آن‌ها تصمیم گرفته شود. علاوه بر این، رفتار طالبان با گروه‌های قومی دیگر نیز مناسب نیست و در این زمینه منابعی از شهر قلعه نو ولایت بادغیس گفته‌اند که قضات طالبان با طرفین دعاوی متعلق به گروه‌های قومی دیگر برخورد تبعیض آمیز دارند.

۱۳ امارت اسلامی طالبان، لایحه محاکم، سال ۲۰۱۸، ماده ۸.

۱۴ منظور از اصطلاح اهل ذمه، «همه کافران، اعم از اهل کتاب و مشرکان را در بر می‌گیرد که در قلمرو حکومت اسلامی اقامت دارند و با دادن جزیه و التزام به قوانین اسلامی، مال و جان شان در امنیت قرار می‌گیرد.»

شکنجه و اخذ اعتراف اجباری از متهم

اسناد بین‌المللی حقوق بشر، شکنجه و تعذیب انسان را در همه‌حال، منع قرار داده و حق رهایی از شکنجه را بدون هیچ محدودیتی تضمین کرده است. ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس مورد شکنجه و آزار و یا رفتار و مجازات ظالمانه و غیر انسانی قرار نمی‌گیرد.»^{۱۵} همین‌طور، به موجب ماده ۱ میثاق بین‌المللی منع شکنجه، مجازات ظالمانه و رفتار غیر انسانی یا اهانت‌آمیز، «هر عمل عمدی که بر اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه فردی به‌منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او و یا شخص سوم اعمال می‌شود، شکنجه نام دارد.»^{۱۶} ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح کرده است که: «۳. هر شخص حق دارد در جریان تثبیت هر نوع اتهام علیه وی از تضمین‌های حد اقل ذیل با تساوی کامل برخوردار گردد: (ز) مجبور ساخته نشود که علیه خویش شهادت بدهد یا به جرم خویش اعتراف نماید.»^{۱۷} اعتراف و اقراری که در نتیجه شکنجه بدست می‌آید فاقد اعتبار حقوقی بوده و نمی‌تواند مستند حکم قضایی قرار بگیرد. اما بر بنیاد معلومات و شواهد بدست‌آمده، شکنجه و اخذ اعترافات اجباری در نظام عدلی و قضایی طالبان به مثابه‌ی معمول‌ترین روش اثبات اتهام استفاده می‌شود. زیرا طالبان با روش‌های جمع‌آوری اسناد و دلایل اثبات اتهام آشنایی ندارند و تنها به اعتراف، شهادت و قسم در فیصله‌های قضایی خود اهمیت می‌دهند. به همین دلیل، با به کار بستن روش‌های مختلف شکنجه، مظنون و متهم را مجبور به اعتراف می‌کنند و یا از شکنجه به عنوان مجازات برای متهم استفاده می‌کنند.

در بازداشتگاه‌های طالبان چی می‌گذرد؟

لت و کوب، قرار دادن در گرمای شدید، خفه کردن با ریسمان، آب دادن بیش از حد و سپس بستن آلت تناسلی قربانیان، آویزان کردن اشیای سنگین در آلت تناسلی قربانیان و بعداً وادار کردن آن‌ها به راه رفتن، انداختن پلاستیک در سر قربانیان برای حبس کردن نفس آن‌ها، بی‌خوابی دادن، خوراندن غذای بیش از حد تند و تلخ، ترساندن با فیر مرمی، نگهداری کردن در فضای متعفن، آویزان کردن، دادن شوک برقی، کشیدن مو و نگهداری در طویله‌های حیوانات از شیوه‌های معمول شکنجه در بازداشتگاه‌های طالبان به‌خصوص نظارت خانه‌های استخبارات می‌باشند.

۱۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب سال ۱۹۶۶، ماده هفتم.

۱۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی منع شکنجه، مجازات ظالمانه و رفتار غیر انسانی یا اهانت‌آمیز، مصوب سال ۱۹۸۴، ماده ۱

۱۷ همان، ماده ۱۴.

اذعان طالبان به وجود شکنجه در بازداشتگاه‌ها

در یک نامه رسمی معاونیت قضایی ریاست محکمه تمیز ولایت قندهار که به قوماندانی‌های امنیه و اداره استخبارات ولایت‌های جنوب غرب فرستاده شده، آمده است که بدون حکم محکمه هیچ‌کسی را شکنجه نکنند. در این نامه به وجود شکنجه و بد رفتاری‌های گسترده در بازداشتگاه‌های اداره استخبارات، حوزه‌های پولیس و ولسوالی‌ها و اخذ اعتراف اجباری از زندانیان اشاره شده است.^{۱۸} در حالی‌که رهایی از شکنجه به عنوان یک حق مطلق شناخته می‌شود و اسناد بین‌المللی حقوق بشر بر رعایت بی قید و شرط آن تأکید کرده است؛ اما در نامه محکمه تمیز ولایت قندهار، ارتکاب شکنجه با حکم محکمه، مجاز خوانده شده است.

چند مورد از روایت‌های قربانیان شکنجه به عنوان نمونه در این‌جا ذکر می‌شود. در ماه جون ۲۰۲۲، یک فرد معتاد در شهر «قلعه نو» ولایت بادغیس، به اتهام دزدی باطری مسجد، توسط طالبان بازداشت و با دادن شوک برقی به شدت شکنجه شده بود. در یک مورد دیگر، یک باشنده‌ی ولایت بامیان گفته است که طالبان او و دیگر زندانیان را شبانه لت و کوب و شکنجه می‌کردند تا علیه خود اعتراف کنند. همچنین، یک باشنده‌ی ولایت قندهار به رواداری گفته است که: «طالبان من و برادرم را از خانه بازداشت کردند، چشمان‌مان را بستند و سپس با گشتاندن در اطراف چند «چوک» در عینو مینه، ما را در یک خانه شخصی بردند. آن‌ها (طالبان) ما را شکنجه می‌کردند و در بدل رهایی من و برادرم خواستار دو عراده موتر بودند که مجبور شدیم یک عراده موتر «کرولا» و یک عراده موتر «لوکسل» برای آن‌ها تهیه کنیم. آن‌ها سند تسلیمی موترها را به ما دادند و سپس توسط طالبان دیگر آزاد شدیم.»

یک باشنده‌ی دیگر ولایت قندهار به رواداری گفته است که او و سه تن دیگر، در تاریخ ۱۳ اپریل ۲۰۲۳ توسط آمر امر به معروف این ولایت بازداشت، و سپس به حوزه پولیس منتقل شدند. آن‌ها سه روز در یک کانتینر متعفن نگهداری شده و در این مدت به آب و غذای مناسب نیز دسترسی نداشتند.

یک‌تن از فعالان مدنی ولایت میدان وردک به رواداری گفته که اداره استخبارات در ماه سپتامبر ۲۰۲۲، او را به خاطر نشر یک یادداشت فیسبوکی در انتقاد از طالبان، بازداشت و برای یک هفته در زندان نگهداری کرده بودند. طالبان سه بار او را با چوب و کیبل شکنجه کرده و هر بار گفته‌اند که به خاطر یادداشت انتقادی اش این مجازات برای او تعیین شده است. او می‌گوید، با دادن تعهد و ضمانت مبنی بر این‌که دیگر از طالبان انتقاد نخواهد کرد و در مورد شکنجه‌اش به کسی چیزی نخواهد گفت، از زندان رها شد. طالبان هیچ‌نوع اتهام رسمی و مکتوب برای او ترتیب نداده و نیز به خانواده‌اش در مورد بازداشت فرد مذکور چیزی نگفته بودند.

همچنین، بر اساس شواهدی که در اختیار رواداری قرار گرفته است، یک‌تن از نظامیان سابق در ولایت قندهار که توسط طالبان بازداشت شده بود، در نتیجه‌ی شکنجه شدید در یک حوزه امنیتی، جان داده است.

مصاحبه شونده‌گان از ولایت‌های مختلف که با رواداری مصاحبه کرده، گفته‌اند که طالبان زندانیان را بعد از یک بجه هر شب شکنجه می‌کنند. از آن‌جا که رواداری و دیگر نهادهای حقوق بشری به محلات سلب آزادی دسترسی ندارند؛ لذا آمار دقیق از تعداد قربانیان شکنجه در دست نیست. نکته قابل ذکر دیگر این است که در حال حاضر هیچ

۱۸ ریاست محکمه تمیز جنوب غرب، مکتوب نمبر ۱۱۹۱، تاریخ ۲۰۲۳/۰۱/۲۴.

مکانیسم حقوقی که از متهم و مظنون در برابر رفتار شکنجه‌آمیز طالبان حمایت کند وجود ندارد. زیرا آن‌ها تمامی قوانین قبلی را لغو کرده‌اند. به همین دلیل ممنوعیت شکنجه در نظام عدلی و قضایی طالبان تضمین نشده و نیز امکان شکایت و مطالبه جبران خسارت برای قربانیان، به رسمیت شناخته نشده است.

توقیف خودسرانه و غیر قانونی

اسناد بین‌المللی حقوق بشر، آزادی از توقیف خودسرانه را به عنوان یک حق بشری برای افراد تضمین کرده است. ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد که: «هر کسی حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ‌کس را نمی‌توان خود سرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت نمود، از هیچ‌کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق اصول محاکماتی مقرر در قانون.»^{۱۹} بنابراین، هرگاه سلب آزادی افراد بدون مجوز قانونی، غیر ضروری، نامتناسب، غیر قابل پیش‌بینی و تبعیض‌آمیز باشد، نقض حق آزادی و امنیت شخصی به شمار می‌رود.

بر بنیاد یافته‌ها و معلومات رواداری، طالبان در گرفتاری و بازداشت افراد به اصول یاد شده عمل نمی‌کنند و در مدت نزدیک به دو سال گذشته، صدها تن از نظامیان سابق، بزرگان قومی، خبرنگاران، فعالان حقوق بشر و حقوق زن را به صورت خودسرانه بازداشت، شکنجه و حتی به قتل رسانده‌اند.^{۲۰}

طالبان بدون اعتنا به ابتدایی‌ترین تشریفات گرفتاری و بازداشت، و بدون حکم محکمه یا مجوز مراجع مسئول، از هر بخش و در هر سطحی از صلاحیت که قرار داشته باشند، می‌توانند افراد را توقیف و بازداشت نمایند.

مثلاً در ولایت غور، علاوه بر پولیس، منسوبین اداره استخبارات، محتسبان اداره امر به معروف و کارمندان شهرداری نیز افراد را توقیف و بازداشت می‌کنند که این امر مصداق صریح نقض حقوق بشر می‌باشد. در ولایت قندهار، تعدادی از قربانیان به رواداری گفته‌اند که آن‌ها توسط مسئولان ریاست ترافیک، ریاست احصائیه، ریاست صحت عامه و شفاخانه حوزوی میروپس بازداشت و برای مدت کوتاهی در یک اتاق زندانی شده بودند.

مواردی نیز وجود دارد که اداره استخبارات طالبان بدون توجه به «اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی» اقارب و بستگان کارکنان حکومت پیشین، منتقدان و مخالفان خود را بازداشت و شکنجه کرده‌اند.^{۲۱}

این قضایا که نمونه‌ای از صدها مورد بازداشت خودسرانه توسط اداره استخبارات و اداره امر به معروف می‌باشند، به وضوح نشان می‌دهد که صلاحیت‌های این دو نهاد محدود و مقید به هیچ قانونی نیست و آن‌ها می‌توانند افراد را بازداشت، شکنجه و برای مدت نامحدود توقیف کنند.

۱۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب سال ۱۹۶۶، ماده ۹.

۲۰ رواداری، «بازداشت‌های خود سرانه و غیر قانونی در افغانستان»، ۲۰۲۳ آدرس: <https://rawadari.org/230120231254.htm>

۲۱ رواداری، گزارش «بازداشت‌های خود سرانه و غیر قانونی در افغانستان»، سال ۲۰۲۳.

زندان‌های شخصی و غیر قانونی

یافته‌های رواداری نشان می‌دهد که در بخش‌های مختلف کشور فرماندهان و مسئولان محلی طالبان برای بازداشت و شکنجه افراد از زندان‌های شخصی و غیر قانونی استفاده می‌کنند. بر بنیاد معلومات بدست آمده از منابع محلی در ولایت هلمند، تعدادی از ادارات ملکی یک اتاق خاص یا یک باب کانتینر را برای بازداشت و زندانی کردن افراد اختصاص داده‌اند. مثلاً ریاست شهرداری این ولایت از یک کانتینر به عنوان بازداشتگاه استفاده می‌کند. در یک مورد، افرادی را که در آن زندانی کرده بودند با مداخله متنفذین محل و بزرگان قومی، آزاد شدند. در ولایت میدان وردک و در ولسوالی‌های دند، پنجوابی، شاولیکوت و سپین بولدک و عینو مینه ولایت قندهار مسئولان محلی طالبان، افراد را در خانه‌های خود زندانی می‌کنند و در حوزه جنوب غرب نیز، ولسوال‌ها و ریاست‌های شهرداری، افراد را دستگیر و در زندان‌های شخصی تحت توقیف قرار می‌دهند.

یک باشنده ولایت قندهار تجربه خود از زندان‌های شخصی طالبان را این گونه روایت کرده است:

در تاریخ ۲۷ جولای ۲۰۲۲ طالبان مرا بازداشت و چشمانم را بستند و پس از تقریباً دو ساعت سفر با موتر، به یک زندان شخصی در یک روستای دور افتاده در ولسوالی شاولیکوت منتقل کردند. در جریان دو ساعت سفر، سه بار مرا از موتر پیاده کردند، طالبان مرا ایستاد می‌کردند و طرفم با مرمی فیر می‌کردند و می‌خواستند که اقرار کنم. اما من گناهی مرتکب نشده بودم که آنرا اقرار می‌کردم. در این محل حدود ۲۰ تن دیگر نیز زندانی بودند.

طالبان من و سایر بازداشت‌شدگان را حوالی ساعت یک یا دو بجه شب بیرون می‌بردند و شکنجه می‌کردند. بعد از ۱۵ روز برادرم محل بازداشت من را پیدا کرد و از آنجا نجاتم داد. بار دوم مرا به یک حوزه امنیتی شهر قندهار، و سپس از آنجا به نظارت‌خانه قوماندانی امنیه منتقل کردند. در نظارت‌خانه قوماندانی امنیه نیز ما را نیمه‌های شب به شدت شکنجه می‌کردند. غذا نمی‌دادند و از گرسنگی زیاد احساس می‌کردیم که می‌میریم. پس از هشت روز ثابت شد که من گناهی مرتکب نشدم و آزادم کردند. «یک منبع از ولایت بلخ به رواداری گفته است که طالبان تعدادی از زنان معترض را در زندان‌های شخصی شکنجه و مورد تجاوز جنسی قرار داده‌اند. این زنان پس از بازداشت به زندان عمومی و از آنجا به بازداشتگاه‌های شخصی منتقل شده بودند. یک‌تن از شاهدان عینی به رواداری گفته است: «بعد از ساعت هشت شب زنان جوان آراسته و به جاهای نا معلوم منتقل می‌شدند؛ اما صبح با ظاهر و وضعیت روانی نا مناسب به زندان بر می‌گشتند.»

در یک مورد دیگر، در سال ۲۰۲۲ یک‌تن از اقارب ولسوال طالبان در «رستاق» ولایت تخار، فردی را به مدت یک هفته در خانه‌اش زندانی کرده بود. هم‌چنین، در نیمه سال ۲۰۲۲ افشا شد که شهرداری کابل از یک کانتینر به عنوان زندان شخصی استفاده می‌کند و این موضوع زمانی افشا شد که یک فرد بازداشت‌شده در داخل این کانتینر در اثر خفگی جان داده بود.

یافته‌های رواداری نشان می‌دهد که مسئولان محلی طالبان در ولسوالی‌های بالا مرغاب، جوند و مرکز شهر بادغیس نیز زندان‌های شخصی دارند. در مرکز ولایت، والی و رئیس اقتصاد ولایت بادغیس در دفتر کاری خود زندان‌های شخصی دارند و افراد بازداشت‌شده را در آن نگهداری می‌کنند. آن‌ها می‌توانند این افراد را بعداً به زندان عمومی بفرستند و یا رها کنند.

در ولایت دایکندی از «انباری‌های» ریاست زراعت، ریاست اقتصاد و قوماندانی جلب و جذب اردو به عنوان زندان‌های شخصی استفاده شده است. در ولایت بامیان، در اوایل حکومت طالبان، هر اداره‌ی نظامی و ملکی زندان‌های شخصی

داشتند و به صورت خودسرانه افراد را بازداشت و شکنجه می‌کردند. این مورد هنوز هم در مرکز ولایت و ولسوالی‌های کهمد و سیغان وجود دارد.

قابل یادآوری است که قربانیان شکنجه و افرادی که در زندان‌های شخصی طالبان بوده به رواداری گفته اند که پس از رهایی، از آن‌ها تعهد گرفته شده که در این مورد با رسانه‌ها و نهادهای حقوق بشری صحبت نکنند.

نقض اصل برائت ذمه

برائت ذمه (فرض بی‌گناهی) به عنوان یکی از اصول ناظر بر حقوق دفاعی متهم، در اسناد بین‌المللی حقوق بشر تضمین شده است. در بند (۲) ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است: «هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد، حق دارد بی‌گناه فرض شود، تا این‌که مقصر بودن او بر طبق قانون محرز بشود.»^{۲۲} همچنین، در بند (۲) ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است: «الف- متهمین به جز در موارد استثنایی، از محکومین جدا نگهداری می‌شوند و تابع نظام جداگانه‌ای متناسب با وضع اشخاص غیر محکوم می‌باشند.»^{۲۳} با این وجود، یافته‌های رواداری نشان می‌دهد که در نظام عدلی و قضایی طالبان، اصل برائت ذمه به صورت گسترده نقض می‌شود؛ زیرا همان‌گونه که در بخش‌های قبلی اشاره شده، طالبان مرحله‌ی تحقیق را عملاً از فرایند اجراءات جزایی حذف کرده و هیچ‌نوع تفکیکی میان مظنون، متهم و مجرم وجود ندارد. اداره استخبارات و اداره امر به معروف طالبان در بسیاری موارد به محض گرفتاری یک فرد، بدون ترتیب دوسیه رسمی و محول کردن آن به محکمه، آن‌ها را مجازات نموده و پس از مدتی رها می‌کنند.

بر بنیاد شواهد و مدارک بدست‌آمده، در بازداشت افراد متهم به جرایم سیاسی، مخالفان طالبان و کارکنان حکومت پیشین محاکم نقشی ندارند، بلکه این افراد را منسوبین استخبارات و پولیس بازداشت، محاکمه و سپس مطابق میل خود مجازات می‌کنند. در مورد ممنوعیت بازداشت خودسرانه و غیر قانونی نیز هیچ راهکار حقوقی بازدارنده‌ای وجود ندارد که شرایط بازداشت و صلاحیت ارگان‌های کشفی و استخباراتی طالبان را مشخص کند. شماری از مصاحبه شونده‌گان از ولایت‌های شرقی کشور به رواداری گفته‌اند که چندین ماه در نظارت‌خانه‌های استخبارات طالبان بوده و در این مدت به شدت شکنجه شده‌اند. در حالی‌که هیچ سندی را امضا نکرده و هیچ دوسیه‌ای برای آن‌ها ترتیب نشده بود؛ اما ماه‌ها در نظارت‌خانه‌های اداره استخبارات زندانی بوده و سپس با دادن ضمانت رها شده‌اند. صلاحیت اداره استخبارات، پولیس و اداره امر به معروف در مورد بازداشت و مدت توقیف افراد مشخص نیست و آن‌ها دوسیه‌های بازداشت‌شدگان را برای تحقیق و فیصله‌ی قضایی به محاکم محول نمی‌کنند. در این مورد یک کارمند محکمه از شرق کشور به رواداری گفته است که از زمان به قدرت رسیدن طالبان تا حالا، هیچ دوسیه‌ای از اداره استخبارات به محکمه محول نشده است.

از سوی دیگر، طالبان هویت تعدادی از افراد به خصوص منتقدان و مخالفان خود را به محض بازداشت تحت نام «جاسوس»، مجرم، باغی و ... از طریق رسانه‌های تحت کنترل خود و شبکه‌های اجتماعی تشهیر می‌کنند که این مسأله مصداق صریح نقض اصل برائت ذمه می‌باشد.

^{۲۲} مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب سال ۱۹۶۶، ماده ۱۴.

^{۲۳} همان، ماده ۱۰.

عدم استقلالیت و بی‌طرفی قضات و محاکم

استقلالیت و بی‌طرفی قضات و محاکم، از دیگر اصول محاکمه عادلانه می‌باشد که در دو سطح «استقلالیت نهادی» و «استقلالیت فردی» مطرح می‌شود و به این معنا است که محاکم و قضات به عنوان مرجع رسیدگی‌کننده، نباید از مداخلات و اعمال نفوذ سایر نهادهای دولتی و یا نیروهای خارجی و داخلی در تصمیم‌گیری‌های خود تأثیر بپذیرند. در بند ۱، ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیله دادگاه مستقل و بی‌طرف، منصفانه و علناً رسیدگی شود.»^{۲۴} بر مبنای این اصل، هرگاه قاضی ملاحظات سیاسی، زبانی، مذهبی و دیگر وابستگی‌های شخصی و فردی خود را در کار قضاوت دخیل نماید، بی‌طرفی و استقلالیت محاکم نقض می‌شود.

با این وجود، معلومات بدست‌آمده نشان می‌دهد که محاکم طالبان در تصمیم‌گیری‌های خود بی‌طرف و مستقل نیستند، بلکه از مداخلات و اعمال نفوذ نهادهای دیگر و نیروهای خارج از محاکم تأثیر می‌پذیرند. چنان‌که در تمامی ولایات، والی‌ها، قوماندانی‌های امنیه، ولسوالان و دیگر فرماندهان محلی طالبان نقش تعیین‌کننده و مهمی در نوع قرارها و فیصله‌های قضایی محاکم دارند و می‌توانند روند اجراءات قضایی را کاملاً تغییر بدهند. از آن‌جا که قضات مسلکی نیستند و هم‌چنین قانونی برای تضمین بی‌طرفی محاکم وجود ندارد؛ لذا قضات نسبت به اطراف دعوا جانب‌دارانه برخورد می‌کنند و پیش‌فرض‌های شخصی خود را در فیصله‌های قضایی دخیل می‌سازند. مخصوصاً اگر یک‌طرف دعوا زنان و کارکنان حکومت پیشین باشند.

رواداری قضایی را مستند کرده است که نشان می‌دهد محاکم طالبان در دعاوی‌ای که یک‌طرف آن افراد مربوط به خودشان بوده و یا افرادی که با آن‌ها روابط نزدیک داشته، جانب‌دارانه عمل کرده‌اند. حتی در مورد افرادی که جرم‌شان محرز بوده؛ اما به دلیل داشتن روابط قبلی و یا تاثیرپذیری از افراد با نفوذ خارج از دستگاه قضایی، به معافیت آن‌ها حکم کرده‌اند. بر عکس، در مورد کارکنان حکومت پیشین که توسط پولیس، اداره استخبارات و دیگر نهادهای امنیتی و نظامی دستگیر شده رفتار سخت‌گیرانه داشته و مجازات سنگینی برای آن‌ها تعیین کرده‌اند.

در تاریخ ۱۷ جنوری ۲۰۲۳ یک‌تن از کارمندان اداره ملکی در ولایت قندهار که از نزدیکان یک مقام محلی طالبان می‌باشد به اتهام اختلاس یک‌صد هزار افغانی و رابطه نامشروع جنسی، محکوم به شلاق و مجازات حبس شده بود. اما در صحنه تطبیق مجازات شلاق، این مقام محلی به قضات زنگ می‌زند و متهم بدون هیچ‌گونه مجازات، بلافاصله رها می‌گردد. در یک قضیه‌ی دیگر والی طالبان در غزنی به دلیل حمایت از یک طرف دعوا، مانع تطبیق فیصله‌ی نهایی محکمه شده و از طریق قوماندانی امنیه فیصله مورد نظر خود را اجرا کرده است.

منابع از ولایت دایکندی به رواداری گفته اند که: «در ولسوالی‌های خدیر و سنگ‌تخت این ولایت، دفتر کار قاضی و ولسوال یک‌جا است و بسیاری قضایا با تصمیم ولسوال حل و فصل می‌گردد و نوبت به قاضی نمی‌رسد.» در یک قضیه حقوقی در ولایت هرات، قاضی به دلیل داشتن رابطه‌ی نزدیک با یک طرف دعوا، تا حالا سه بار مدعی را مجبور به اصلاح صورت دعوا کرده است؛ چون دفع دعوای مدعی علیه قوی‌تر است و محکمه باید به نفع او فیصله کند.

۲۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب سال ۱۹۴۸، ماده ۲۱.

تأخیر غیر موجه در رسیدگی به قضایای جزایی و حقوقی

بند ۳ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح کرده است: «هر شخصی که به اتهام جرمی دستگیر یا توقیف گردیده، به اسرع وقت در محضر قاضی یا هر مقام دیگری که اجازه و صلاحیت اعمال اختیارات قضایی را داشته باشد حاضر ساخته می‌شود. وی حق دارد که در مدت زمان معقول محاکمه شود یا آزاد گردد. قاعده‌ی کلی نباید این باشد که اشخاصی که در انتظار محاکمه هستند در توقیف بسر برند، بلکه آزادی مؤقت مشروط بر تضمین‌هایی بشود که حضور متهم در جلسه‌ی محکمه و سایر مراحل رسیدگی قضایی و حسب‌المورد برای اجرای حکم تأمین نماید.»^{۲۵} بر خلاف این اصل میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در حال حاضر در افغانستان هیچ قانونی برای تعیین مدت‌زمان نظارت و توقیف وجود ندارد و به این ترتیب، مدت رسیدگی قضایی در محاکم مشخص نیست. از این‌رو، نهادهای عدلی و قضایی مخصوصاً اداره استخبارات می‌تواند تا زمان نامشخص افراد را توقیف نماید. مواردی نیز وجود دارد که متهمان ماه‌ها در توقیف‌خانه بسر می‌برند و منتظر محاکمه خود هستند. در مورد قضایای حقوقی نیز تأخیر غیر موجه وجود دارد و تعدادی از این نوع قضایا تا یک سال هم رسیدگی نشده است. مثلاً در ولایت هرات، یک دعوای حقوقی که در محکمه ابتدائیه ولسوالی انجیل راه اندازی شده بود، اکنون که بیش از یک و نیم سال از آن می‌گذرد مورد رسیدگی قرار نگرفته و حتی بخش مربوطه برای رسیدگی به آن تعیین نشده است، در حالی‌که هر دو طرف دعوا در هرات حاضر هستند.

عدم دسترسی به وکیل مدافع

دسترسی مظنون و متهم به وکیل مدافع و مساعدت حقوقی یکی از مهم‌ترین اصول محاکمه عادلانه می‌باشد که به موجب فقره ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده است.^{۲۶} دریافت کمک از وکیل مدافع و آگاهی داشتن متهم از این حق، تضمین محریمیت مکالمات، مراسلات و مکاتبات بین متهم و وکیل مدافع از شرایط تحقق حق دفاع مناسب و کافی می‌باشند. این حق که باید در تمام مراحل تحقیق و محاکمه رعایت شود، در واقع به متهم این امکان را می‌دهد که از اختیار، آزادی و ابزارهای لازم برای دفاع از حق خود برخوردار شود. با این وجود، بر بنیاد شواهد بدست‌آمده، محاکم و قضات طالبان به حق دسترسی به وکیل مدافع اهمیت نمی‌دهند و حتی در شماری از ولایت‌ها قضات با این اصل به عنوان بخشی از فرایند اجرائی قضایی بیگانه هستند. مثلاً یک منبع از ولایت بغلان به رواداری گفته است که قضات طالبان در اوایل می‌پرسیدند که «وکیل مدافع کیست و چه کارهایی می‌کند. وقتی برای‌شان توضیح داده می‌شد پاسخ می‌دادند که شما از مجرمین و جنایتکاران دفاع می‌کنید.»

از سوی دیگر، طالبان انجمن مستقل وکلای مدافع را ملغا کردند و نیز تعداد زیادی از وکلای مدافع به دلیل وضع محدودیت‌های سخت‌گیرانه و مشکلات امنیتی، شغل خود را از دست دادند. چنان‌که در حال حاضر، در ولایت پنجشیر حتی ۱ وکیل مدافع حضور ندارد، در ولایت قندهار از ۱۵۰ وکیل مدافع تنها ۱۵ نفر آن‌ها باقی مانده و در ولایت غزنی با ۱۹ ولسوالی تنها ۵ وکیل مدافع در مرکز ولایت فعالیت می‌کنند. هم‌زمان، طالبان در ساختار تشکیلاتی وزارت عدلیه خود، ریاست وکلای مدافع را تأسیس نموده و در کنار آن بخش مساعدت‌های حقوقی نیز فعال است؛ اما در عمل مساعدت حقوقی ارائه نمی‌کند و وکلای مدافع باقی‌مانده از دوره جمهوریت که اکنون تحت اثر وزارت عدلیه فعالیت می‌کنند، استقلالیت خود را از دست داده‌اند.

۲۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب سال ۱۹۶۶، ماده ۹.

۲۶ همان، ماده ۳.

در ولایت‌های قندهار، پکتیکا، پکتیا، میدان وردک و خوست متهمان به جرایم سیاسی حق داشتن وکیل مدافع را ندارند. یک منبع از ولایت قندهار به رواداری گفته است که طالبان در هیچ‌نوع قضایی جزایی، حتی در قضایای حاد و جدی، وکلای مدافع را نمی‌پذیرند و تنها در قضایای کوچک حقوقی و تجارتي قبول دارند.

در تعدادی از ولایت‌ها، محاکم و قضات طالبان در هیچ قضیه‌ای وکیل مدافع را قبول ندارند و آن‌را به مثابه‌ی مداخله در کار قضا تعبیر می‌کنند. یک منبع از ولایت دایکندی به رواداری گفته است، که «قضات می‌گویند وقتی افراد متهم خود بالغ و عاقل است وکلای مدافع چرا از آن‌ها دفاع کنند، بگذارید خودشان از خود دفاع کنند و در کار محکمه دخالت نکنید.» در شماری دیگر از ولایت‌ها وکلای مدافع تنها در مورد قضایای حقوقی و مدنی، می‌توانند برای موکلین خود دفاعیه ترتیب بدهند و حق حضور در جلسات قضایی را ندارند. علاوه براین، بر بنیاد اطلاعات بدست آمده، طالبان به وکلای مدافع اجازه دسترسی به محلات سلب آزادی را نمی‌دهند و آن‌ها نه در مرحله‌ی نظارت و نه هم در مرحله‌ی توقیف به مؤکلین خود دسترسی ندارند.

طالبان در شماری از ولایت‌ها از جمله در بدخشان، قندهار، هلمند، زابل، ارزگان، جوزجان، فاریاب، قندوز، بلخ و هرات از میان دانش‌آموختگان مدارس دینی، وکلای مدافع جدید استخدام نموده و از وکلای مدافع قبلی امتحان اخذ کرده‌اند. هدف از برگزاری امتحان از وکلای مدافع دوره جمهوری، ارزیابی میزان آشنایی آن‌ها با مسایل ابتدایی دینی بوده است. یک وکیل مدافع از ولایت هلمند به رواداری گفته که طالبان جواز کار وکلای مدافع دوره جمهوری را لغو و از آن‌ها امتحان اخذ نمودند. در این امتحان پرسش‌های مربوط به نماز و دیگر مسایل دینی پرسیده شد که تعدادی از وکلای مدافع پس از کامیابی، جواز ادامه کار دریافت کردند. یک منبع دیگر از ولایت قندهار معلومات داده است که طالبان اخیراً وکلای مدافع جدید استخدام نموده که فارغ التحصیلان مدرسه‌های دینی هستند و تعدادی از آن‌ها هم‌زمان با کار قضاوت، به عنوان وکیل مدافع نیز فعالیت می‌کنند و بعد از رسمیات برای موکلین خود دفاعیه می‌نویسند. علاوه براین، در ولایت قندهار، آموزگاران مدارس دینی و ملا امامان مساجد نیز برای متهمین دفاعیه می‌نویسند.

بدرفتاری با وکلای مدافع

منابع از ولایت میدان وردک به رواداری گفته است که قضات دفاعیه وکلای مدافع را خلاف ارزش‌ها و موازین اسلامی می‌خوانند و به آن‌ها اجازه‌ی کار نمی‌دهند. شواهد بدست آمده نشان می‌دهد که قضات و محاکم طالبان از کار وکلای مدافع به عنوان حمایت از جنایت کاران و افراد مجرم تعبیر می‌کنند و به وکلای مدافع می‌گویند «شما از مجرمین و جنایت‌کاران حمایت می‌کنید و این کار تان مغایر با ارزش‌های دینی و اسلامی می‌باشد.» یک منبع دیگر به رواداری گفته است که قضات و محاکم طالبان معمولاً دفاعیه وکلای دوره جمهوری را رد می‌کنند؛ هرچند دفاعیه آن‌ها مشکلی نداشته باشد. اما با آن‌ها بدرفتاری می‌کنند و می‌گویند «شما در اداره قبلی کار کرده‌اید و در فساد دخیل هستید.» در ولایت بامیان، طالبان شماری از وکلای مدافع دوره جمهوری را به مرگ تهدید کرده و با لغو جواز وکالت آن‌ها درالوکاله‌های شان را نیز بسته اند.

نقض اصول حاکم بر فیصله و صدور حکم

بر مبنای اصول ناظر بر فیصله و صدور حکم، جلسات قضایی به استثنای موارد محدود و مشخصی که قانون آن را منع کرده است، در سایر حالات باید علنی برگزار شود تا مردم در مورد چگونگی تأمین عدالت اطلاع حاصل کنند و نسبت به دستگاه قضایی اعتماد نمایند. غیر علنی برگزار کردن جلسات قضایی در واقع موجب سؤاستفاده، فساد، بی‌اعتمادی و نقض موازین محاکمه عادلانه می‌شود. از سوی دیگر، اعترافی که در نتیجه‌ی شکنجه، زور و اکراه بدست آمده باشد فاقد هر نوع اعتبار حقوقی بوده و محاکم نمی‌توانند مستند به آن، حکم نمایند. بنابراین، فیصله‌ها باید با ذکر مستندات قانونی، دلایل

معتبر و توضیح ارکان جرم اعلام و برای حصول اطمینان از اجرای عدالت از هرنوع پیش‌داوری و رفتار تبعیض‌آمیز خود داری شود. با این وجود، اما یافته‌های رواداری نشان می‌دهد که قضات و محاکم طالبان، در اتخاذ تصمیم و فیصله‌های قضایی، خودسرانه عمل می‌کنند. در اکثر موارد اعترافات اجباری را آن‌گونه که در مباحث قبلی مطرح شد، مستند حکم خود قرار می‌دهند و تمامی جلسات قضایی را به صورت غیر علنی و حتی بدون حضور وکیل مدافع برگزار می‌کنند. برعکس، اجرای مجازات را حتی در مواردی که منع قانونی دارد، علنی انجام می‌دهند.

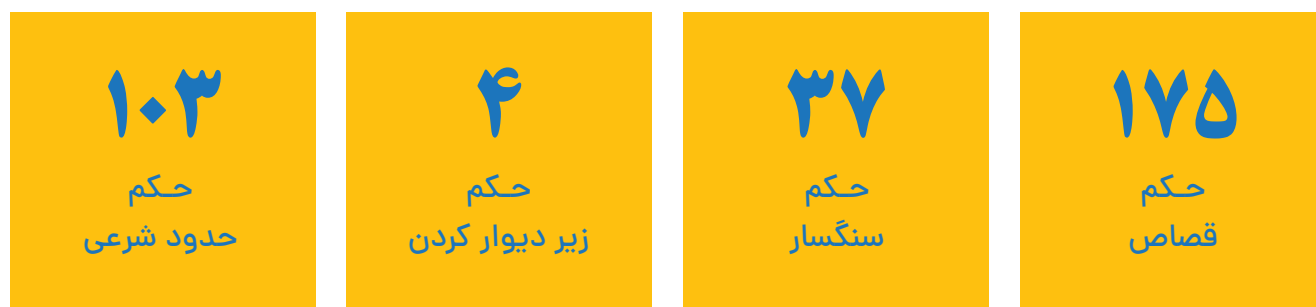
بر بنیاد معلومات بدست‌آمده، محاکم و قضات طالبان حتی تشریفات فیصله‌های قضایی و صدور حکم را نیز رعایت نمی‌کنند و در اکثر موارد، به صورت شفاهی حکم می‌کنند و فیصله‌های خود را نمی‌نویسند.

تطبيق مجازات غیر انسانی و ظالمانه

مجازات فرا قانونی و مخالف کرامت انسانی، مورد دیگری است که طالبان، در بخش‌های مختلف کشور پیوسته مرتکب آن می‌شوند. طبق معلومات بدست‌آمده، حداقل به تعداد ۱۰۹ نفر در ۱۲ ماه نخست حاکمیت طالبان مورد محاکمه و مجازات صحرایی قرار گرفته‌اند. افراد یاد شده بدون هیچ‌گونه تحقیق و اثبات اتهام در حضور محکمه صالح، محاکمه و مجازات شده‌اند.^{۲۷}

در ولایت قندهار، محاکم طالبان همه‌روزه متهمان را شلاق می‌زنند و سپس آن‌ها را به زندان می‌اندازند. چنان‌که از آگست ۲۰۲۱ تا جون ۲۰۲۳ محاکم طالبان در حوزه جنوب غرب ۱۱۸ تن را در محضر عام شلاق زده است. البته این آمار تنها افرادی را شامل می‌شود که مجازات آن‌ها علنی تطبيق شده است. در یک مورد، طالبان یک دختر ۱۹ ساله را که نامزاد بوده، به اتهام داشتن رابطه نامشروع جنسی ابتدا شلاق زدند و سپس به مدت سه سال حبس به مجازات محکوم کردند. در حالی‌که هیچ‌گونه شواهد و اسنادی که اتهام منسوب به قربانی را ثابت کند، وجود ندارد و پدر قربانی به رواداری گفته که دخترش به خاطر رفتن به مکتب و نه به دلیل ارتکاب رابطه نامشروع جنسی، از سوی طالبان مجازات شده است. او این اقدام طالبان را غیر عادلانه می‌خواند و اکنون پنهانی و در انزوا زندگی می‌کند.

عبدالمالک حقانی، معاون اداره عالی محاکم طالبان گفته است که محاکم آن‌ها تا کنون ۱۷۵ حکم قصاص، ۳۷ حکم سنگسار، ۴ حکم زیر دیوار کردن و ۱۰۳ مورد مجازات حدود را صادر کرده‌اند.^{۲۸} در شرایطی که هیچ‌گونه مکانیسم قانونی برای نظارت از اجراات محاکم و جلوگیری از ارتکاب فساد توسط قضات وجود ندارد و نیز، قضات طالبان همان‌طور که در بخش‌های قبلی گزارش مطرح شد، مسلکی نیستند، تطبيق این نوع مجازات می‌تواند مصداق نقض کرامت انسانی و مجازات ظالمانه باشد.



۲۷ رواداری، «عقب گرد و سرکوب»، ۲۰۲۲، آدرس: <https://rawadari.org/10122022251.htm/>

۲۸ صحبت‌های تلویزیونی عبدالمالک حقانی، معاون اداره عالی محاکم طالبان، تاریخ ۴ می ۲۰۲۳



نتیجه گیری

دسترسی به عدالت در نظام عدلی و قضایی که هیچ قانون و مقرراتی برای تنظیم وظایف و تعیین حدود صلاحیت‌ها و اختیارات آن وجود ندارد، امر دشوار و چه بسا ناممکن است. عدم استقلالیت نهادی و فردی در محاکم طالبان، مداخله نهادهای غیر مسئول در رسیدگی به قضایای جزایی و حقوقی، شکنجه و بدرفتاری با زندانیان، توقیف خودسرانه و غیر قانونی و عدم التزام به موازین محاکمه عادلانه که به صورت مفصل در بخش‌های مختلف این گزارش توضیح داده شد، در واقع از مهم‌ترین عوامل در کاهش اعتماد شهروندان به نهادهای عدلی و قضایی طالبان و افزایش میزان مراجعه آن‌ها به مکانیسم‌های غیر رسمی برای رسیدگی به دعاوی شان می‌باشند. در این میان، زنان افغانستان به خصوص قربانیان خشونت با چالش‌های مضاعف و محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌تری روبه‌رو هستند.

اکنون که مدت نزدیک به دو سال از حکومت طالبان در افغانستان می‌گذرد، حتی یک مورد قانون برای تنظیم امور مربوط نهادهای عدلی و قضایی وضع نشده و همین‌طور، هیچ اقدامی تقنینی برای تضمین حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان صورت نگرفته است. از این‌رو، بی‌نظمی و هرج و مرج گسترده در سراسر حکومت طالبان به‌خصوص در نظام عدلی و قضایی آن‌ها حاکم است. چون قانون و مقرراتی وجود ندارد و آزادی‌های اساسی شهروندان افغانستان با گذشت هر روز محدودتر می‌شود. زیرا یک فرد عادی منسوب به طالبان می‌تواند به صورت غیر قانونی و خودسرانه افراد دیگر را دستگیر، شکنجه و بازداشت نماید.

وجود زندان‌های شخصی و عدم دسترسی به محلات سلب آزادی تحت کنترل طالبان از موارد مهمی دیگری است که نگرانی‌های جدی را ایجاد کرده است. هیچ نهاد حقوق بشری به‌صورت منظم به زندان‌های طالبان دسترسی ندارند و در مورد وضعیت زندانیان تصویر روشنی وجود ندارد.

از جانب دیگر، در حال حاضر هیچ مکانیسم کار آمد و پاسخ‌گو برای نظارت از عملکرد نهادهای عدلی و قضایی وجود ندارد، امری که موجب گسترش فساد، سوء استفاده و نقض حقوق اساسی شهروندان شده است.

پیشنهادات

رواداری باتوجه به چالش‌ها و نابسامانی‌های موجود در نظام عدلی و قضایی طالبان و به منظور بهبود دسترسی شهروندان افغانستان به عدالت، رعایت موازین محاکمه عادلانه و احترام به حقوق بشری زندانیان، موارد ذیل را به جامعه جهانی، مقامات حاکم، سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر، فعالان مدنی و رسانه‌ها پیشنهاد می‌کند:

الف- به جامعه جهانی

- به منظور احترام به حق آزادی و امنیت شخصی شهروندان افغانستان و نیز دسترسی به عدالت و بهبود وضعیت نهادهای عدلی و قضایی، از جامعه جهانی می‌خواهیم که با استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای قانونی بر طالبان فشارهای لازم را وارد نمایند تا قوانین قبلی را تطبیق و اجرا کنند.
- از سازمان ملل متحد می‌خواهیم که ضمن نظارت منظم از محلات سلب آزادی تحت کنترل طالبان، هم‌چنین برای انجام یک تحقیق همه‌جانبه در مورد زندان‌های شخصی، قضایای شکنجه و وضعیت زندانیان اقدام نموده و یافته‌های خود را با مردم، رسانه‌ها و سازمان‌های حقوق بشری شریک نماید.
- از جامعه جهانی می‌خواهیم که از طریق سازمان‌های غیر دولتی فعال در افغانستان از وکلای مدافع و به‌خصوص وکلای مدافع زن حمایت و زمینه‌ی فعالیت مصئون و مؤثر آن‌ها را فراهم نمایند.

ب- به مقامات حاکم

- از مقامات حاکم می‌خواهیم که به تعهدات قانونی خود برای احترام به ارزش‌ها و موازین حقوق بشر عمل نموده و از نقض موازین محاکمه عادلانه خودداری نمایند.
- از مقامات حاکم می‌خواهیم که برای مسدود کردن فوری زندان‌های شخصی و تضمین حق رهایی از توقیف خودسرانه و غیر قانونی، اقدامات عملی را اتخاذ نمایند. همه موارد شکنجه و بدرفتاری با زندانیان باید تحقیق شده و افراد مسئول پاسخ‌گو شوند.
- تبعیض سیستماتیک علیه زنان و اقلیت‌های مذهبی در نظام عدلی و قضایی باید پایان یابد. مقامات حاکم باید برای بهبود دسترسی زنان به عدالت در کنار تامین زمینه‌ی کار برای زنان در نظام عدلی و قضایی، چهارچوب‌های حمایتی لازم را برای تسهیل دسترسی آن‌ها به عدالت ایجاد کنند.
- هم‌چنین، از مقامات حاکم می‌خواهیم که امکان نظارت سرزده و آزادانه نهادهای حقوق بشری را از زندان‌ها فراهم کنند.

ج- به سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر، فعالان مدنی و رسانه‌ها

- رسیدگی به وضعیت فاجعه بار حقوق بشر در افغانستان مستلزم توجه و دادخواهی دوامدار سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر است. بنابراین، منابع کافی باید به نظارت و گزارش‌دهی از وضعیت حقوق بشری افغانستان اختصاص یابد.
- دادخواهی مفید و مؤثر مستلزم تلاش‌های مشترک، هماهنگ و همسو می‌باشد؛ بنابراین از تمامی سازمان‌های مدافع حقوق بشر و رسانه‌ها می‌خواهیم که با استفاده از تمامی امکانات، فرصت‌ها و ابزارهای قانونی برای پاسخ‌گو کردن طالبان نسبت به رویدادهای نقض حقوق بشر، کار و اقدام نمایند.
- از تمامی رسانه‌ها دعوت می‌کنیم که در مستند سازی و بازتاب رویدادهای نقض حقوق بشر در افغانستان با حفظ مصئونیت قربانیان و شاهدان، با دیگر سازمان‌ها و مدافعان حقوق بشر همکاری نموده و در این راستا سهم مؤثر و فعال ایفا نمایند.

فهرست منابع

- مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۶ دسامبر، ۱۹۶۶.
- مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی و اهانت‌آمیز، مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴.
- مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴.
- رواداری، گزارش تحقیقی «عقب‌گرد و سرکوب»، سال ۲۰۲۲.
- رواداری، گزارش تحقیقی بازداشت‌های خودسرانه و غیر قانونی در افغانستان، سال ۲۰۲۳.
- امارت اسلامی طالبان، لایحه محاکم، مصوب سال ۲۰۱۸.
- ریاست دارالانشای لوی سارنوالی، متحد المال شماره چهاردهم، تاریخ ۲۲ مارچ ۲۰۲۳.
- ریاست محکمه تمیز جنوب غرب، مکتوب نمبر ۱۱۹۱، تاریخ ۲۴ جنوری ۲۰۲۳.



رواداری
RAWADARI

www.rawadari.org